

۲۲۲۹۴۷۸

www.ketab.ir

دوشیزگان



• نویسنده: آکس مایکلیدیس

• مترجم: علی قانع

سرشناسه: میکلیدس، الکس، ۱۹۷۷-م.

Michaelides, Alex, 1977-

عنوان و نام پدیدآور: دوشیزگان/الکس

مایکلیدس : ترجمه علی قانع.

مشخصات نشر: تهران: البرز، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۳۹۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۳۵-۲۱۳-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: . The Maidens

2021.

موضوع: داستان های انگلیسی -- قرن ۲۱م.

English fiction -- 21th century

شناسه افزوده: قانع، علی، ۱۳۴۰-، مترجم

رده بندی کنگره: PZ۴

رده بندی دیویی: ۸۲۳/۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۸۵۸۰۳



کتاب دوشیزگان برگردانی است از:
The Maidens by Alex Michaelides
شرکت نشر البرز

امور فنی: آریا نوری / ویراستار: شهرام بزرگی / طراحی داخلی کتاب: استودیو
زاغ - یاسر عزآباد / طراح جلد: امیر علایی / لیتوگرافی: مینا / چاپ: کاج /
چاپ اول: پاییز ۱۴۰۰ / شمارگان: ۳۰۰ نسخه / بها: ۱۱۰۰۰۰ تومان

همه حقوق چاپ و نشر این ترجمه برای نشر البرز محفوظ است. تکثیر،
انتشار و بازنویسی این ترجمه یا قسمتی از آن به هر روش بدون مجوز کتبی
از ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

مرکز توزیع: پخش البرز - تلفن: ۸۸۴۲۳۱۰۱ - ۸۸۴۲۳۲۱۲
نشر البرز: تهران، خیابان شهید بهشتی، بین چهارراه اندیشه و سهروردی،
ساختمان شماره ۶۸.
تلفن و نمابر: ۸۸۴۱۷۴۴۶ = ۸۸۴۰۵۱۸۲ = صندوق پستی: ۱۵۶۹۷۵۴۶۱۱

فهرست مطالب...

۷۱	۱۳	۹	پیش‌گفتار
۷۷	۱۴	۱۱	بخش اول
۸۱	۱۵	۱۳	۱
۸۵	۱۶	۱۶	۲
۹۰	۱۷	۲۱	۳
۹۵	۱۸	۲۶	۴
۹۹	۱۹	۳۱	۵
۱۰۶	۲۰	۳۵	۶
۱۱۳	بخش دوم	۳۷	۷
۱۱۵	۱	۳۹	۸
۱۱۷	۲	۴۹	۹
۱۲۲	۳	۵۴	۱۰
۱۲۸	۴	۶۴	۱۱
۱۳۱	۵	۶۶	۱۲

۲۱۳	۳	۱۳۷	۶
۲۱۶	۴	۱۴۱	۷
۲۱۸	۵	۱۴۶	۸
۲۲۱	۶	۱۵۱	۹
۲۲۳	۷	۱۵۵	۱۰
۲۲۹	۸	۱۶۲	۱۱
۲۳۵	۹	۱۶۷	۱۲
۲۴۰	۱۰	۱۷۲	۱۳
۲۴۲	۱۱	۱۷۴	۱۴
۲۴۷	۱۲	۱۸۰	۱۵
۲۵۶	۱۳	۱۸۷	۱۶
۲۵۹	بخش چهارم		۱۷
۲۶۱	۱	۱۹۷	۱۸
۲۶۵	۲	۲۰۳	بخش سوم
۲۷۰	۳	۲۰۵	۱
۲۷۲	۴	۲۰۹	۲

پیش‌گفتار

ادوارد فوسکا^۱ قاتل بود.

این واقعیت داشت؛ چیزی نبود که ماریانا^۲ فقط با هوش و ذکاوتش به آن پی برده باشد. این را با همه وجودش می‌دانست؛ این را در مغز استخوان‌هایش، در خونش و در تک‌تک سلول‌هایش حس می‌کرد. ادوارد فوسکا گناهکار بود.

اما هنوز نمی‌توانست این را ثابت کند؛ شاید هیچ‌وقت نمی‌توانست! این مرد-همین هیولایی که به احتمال زیاد حداقل دو نفر را کشته بود-همچنان آزادانه برای خودش می‌گشت.

فوسکا خیلی از خودراضی و خیلی هم از خود مطمئن بود! ماریانا با خودش گفت که شاید او فکر می‌کند قسر در می‌رود و برنده می‌شود.

اما این طور نبود؛ لاف‌زن حالا نه!

ماریانا تصمیم گرفته بود دست پیش را بگیرد؛ مجبور بود این کار را بکند.

او کل شب نشست و همه اتفاق‌ها را به یاد آورد. اینجا، در این اتاق کوچک و تاریک در کمبریج^۳ نشست، به فکر فرو رفت و به نتیجه رسید. به میله‌های

1. Edward Fosca

2. Mariana

3. Cambridge

قرمز بخاری برقی دیوار خیره شد که در تاریکی شب، شعله‌ور و درخشان بود و خودش را آماده رفتن به نوعی خلسه کرد.

او در ذهنش مدام به ابتدای ماجرا برمی‌گشت و همه چیز را دوباره مرور می‌کرد؛ تک‌تک جزئیاتش را.

و حالا می‌توانست او را به دام بیندازد.